پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید بهشتی
سال ۲۵، شماره ۲، صفحات ۵۳- ۴۷ (تابستان ۱۳۸۰)

Original Article

بررسی نگرش اساتیدی که بین سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۵ در سه کارگاه آموزشی اصول و برنامه ریزی آموزشی، روشهای آموزش و ارزشیابی مرکز توسعه آموزش پزشکی شیراز شرکت کرده اند

دکتر مسعود موسوی نسب*، شهلا غضنفری**، علیرضا توکلی کازرونی***، رضا ارسلان زاده***

* رئیس مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

** کارشناس ارشد پرستاری، کارشناس امور آموزشی مرکز توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

*** دانشجوی سال چهارم پزشکی

خلاصه

از سال ۱۳۵۲ که برای اولین بار در خاورمیانه کارگاه های آموزشی توسط بخش آموزش پزشکی دانشگاه شیراز برگزار شد، تاکنون ارزیابی این گونه کارگاه ها صورت نگرفته است. با توجه به اهمیت و حساسیت ویژه آموزش پزشکی لازم است این گونه کارگاه ها با هدف رفع نقایص و تقویت نقاط قوت و میزان کارآیی آنها مورد ارزیابی قرار گیرند.

این پژوهش یک مطالعه توصیفی- تحلیلی می باشد که در آن از بین ۸۵ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که بین سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۵ در سه کارگاه آموزشی اصول و برنامه ریزی آموزشی، روشهای آموزش و ارزشیابی شرکت کرده بودند، ۷۱ نفر به سوالات پرسشنامه ای که نگرش، تغییر در علاقه، توانایی و عملکرد آموزشی و همچنین نظرات و پیشنهادات شرکت کنندگان را مورد بررسی قرار می داد، پاسخ دادند.

میانگین نمرات سوالاتی که تغییر در نگرش، مهارت در برنامه ریزی آموزشی، آموزش و ارزشیابی و همچنین مورد استفاده بودن مفاهیم کارگاه ها در عملکرد روزمره اساتید را اندازه می گرفت بر حسب سطح تحصیلات، رشته تخصصی و جنس مورد مقایسه قرار گرفت که تنها در مورد مقایسه میانگین نمرات تغییر در برنامه ریزی آموزشی بر حسب جنس تفاوتها از نظر آماری معنی دار بود ($p<0/03$) و میانگین نمرات افراد مونث بالاتر بدست آمد.

در زمینه نظرات واحدهای تحت پژوهش بیشترین تعداد (۳۸ نفر) عقیده داشتند که کمبود وقت یکی از محدودیت هـایی است که مانع استفاده از دانش کسب شده از کارگاه هـــا می شود، و بیشترین تعداد (۶۶ نفر) از یادگیری های کارگاه در زمینه بهبود روشهای آموزشی خود بهره برده اند.

در مجموع از بین سه کارگاه بیشترین تاثیر را کارگاه روشهای آموزشـــــی (۶۹٪) و پس از آن کارگاه ارزشیابی (۴۶/۵٪) بر افراد داشته است.

یافته های این پژوهش در مجموع موید این نکته می باشد که کارگاه های برگزار شده تاثیری مثبت بر افراد شرکت کننده داشته است. همچنین کارگاه هایی مانند روشهای آموزش و ارزشیابی که مستقیماً با عملکرد اساتید در ارتباط بوده اند در مقایسه با برنامه ریزی آموزشی که اغلب در بسیاری از دانشکده ها و بخصوص دانشکده پزشکی کمتر مورد استفاده قرار می گیرد، تاثیر بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی: کارگاه های آموزشی، آموزش پزشکی

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

مقدمه

آموزش پزشکی در حال حاضر از اهمیت و حساسیت ویژه ای برخوردار می باشد. در حالی که بخش عمده ای از آن توسط مدرسینی صورت می گیرد که خود آموزشی در ارتباط با اصول و روشهای آموزش ندیده اند.

این مساله بیشتر ناشی از آن می شود که معمولاً در گزینش مدرسین دانشگاه های علوم پزشکی، تسلط بر علوم آموزشی مد نظر قرار نمی گیرد. از طرف دیگر اساتید در دوران تحصیل خود آموزشی در ارتباط با اصول و برنامه ریزی، روشهای آموزش و ارزشیابی نداشته و قبل از شروع به تدریس نیز به ندرت ممکن است امکاناتی جهت فراگیری این علوم داشته باشند. به همین دلیل در طی چند دهه اخیر در بیشتر موسسات آموزشی این نگرش ایجاد شده که لازم است تا در حد لزوم به اساتید آموزشهایی در زمینه اصول آموزش داده شود.

توصیه سازمان جهانی بهداشت نیز بر این مبنا می باشد که مدرسین علوم بهداشتی می بایست با اصول علم آموزش آشنا گردند تا مهارت تدریس در آنها تقویت شود. بخصوص در این گزارش درک صحیح از اصول یادگیری بزرگسالان شرط لازم جهت تدریس موثر شناخته شده است. از طرف دیگر در جهت پیشبرد مهارتهای تدریس اساتید، اصولی که برنامه های آموزشی را بهبود می بخشند نیز می بایست بکار گرفته شوند. احتمالاً فرمت کارگاه آموزشی، بهترین و منطقی ترین فرمت تعلیم جهت بهبود مهارتهای تدریس در پزشکان است (۱). معمولاً گذاشتن دوره های طولانی مدت برای اساتیدی که مشغولیت کاری زیاد دارند، مناسب نمی باشد. تحقیقات انجام شده بر روی دانشجویان پزشکی نیز نشان می دهد که کارگاه های آموزشی، فرمت آموزشی بسیار موثرتری برای ایجاد مهارت دارند (۲). کارگاه های آموزشی به طور منظمی جهت دستیابی به هدف عمده افزایش سطح شایستگی مدرسین در طرح برنامه های آموزشی با استفاده از جریان چرخه آموزشی سازماندهی می گردند (۳). البته این نکته قابل توجه می باشد که اگر آموزش پزشکی رشد می یابد، بستگی به نگرش اساتید نسبت به آموزش و فراگیری دانشجویان شان دارد (٤). مطالعات زیادی نشان داده است که یک کارگاه آموزشی کوتاه مدت تاثیر قابل توجهی بر روی تغییر نگرش به سوی پذیرش اصول برنامه ریزی آموزشی بر مبنای فراگیری بهتر دانشجو (Student-Oriented) دارد (۵). لذا کارگاه های آموزشی نه تنها برای ارائه روشها و اطلاعات جدید بلکه با اهمیتی یکسان جهت تشویق شرکت کنندگان به نگرش مثبت نسبت به آموزش پزشکی طرح ریزی و اجرا می گردند (٦). از طرف دیگر نشان داده شده است که انگیزه و علاقه پزشکان نسبت به آموزش نیز با بهبود مهارتهای تدریس در آنها تقویت می گردد (۷). بنابراین برنامه های تربیت مدرس می بایست به گونه ای طرح ریزی گردند که اساتید شایستگیهای لازم را جهت بکارگیری مفاهیم تئوری در عمل پیدا کنند. گر چه این مساله به طور وسیعی پذیرفته شده است که تاثیر یک برنامه آموزشی بستگی زیادی به اهداف آن و یا توانایی شرکت کنندگان به دستیابی بر دانش، مهارت و نگرش دارد (۵)، و از آنجا که تاثیر آموزش این قبیل کارگاه ها در اساتید تاثیری دوگانه دارد که از یک طرف با بهبود آموزش در کوتاه مدت موجب ارتقاء سطح آموزش گردیده و از طرف دیگر نقش اساتید به عنوان الگو (Role Models) موجب بالا رفتن سطح آموزش در دراز مدت می گردد، لذا ارتقاء کیفیت کارگاه ها ضرورتی اجتناب ناپذیر می باشد. بدون شک ارزیابی کارگاه های آموزشی امکان اصلاح مراحل کارگاه ها را فراهم می سازد (۳). از سال ۱۳۵۲ که برای اولین بار در خاورمیانه کارگاههای آموزشی توسط بخش آموزش پزشکی شیراز با هدف تربیت مدرسین در سطح کل ناحیه مدیترانه شرقی آغاز شد، تاکنون ارزیابی اینگونه کارگاه ها صورت نگرفته است و لذا با استفاده از نتایج این بررسی می توان نقایص موجود در کارگاهها را برطرف ساخته و نقاط قوت آن را نیز تقویت نمود.

مطالعات انجام شده نیز نشان می دهند که آموزش روشهای تدریس بر روی مهارتهای تدریس اساتید تاثیر بسیار زیادی دارد. در پژوهشی که بر روی شرکت کنندگان در ٦ کارگاه آموزشی انجمن بیهوشی آمریکا جهت تعیین اینکه آیا نمره شرکت کنندگان در کارگاه در تستهای متوالی افزایش می یابد، با استفاده از پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

در هر سه مورد قبل و بعد از کارگاه و ۳ ماه پس از آن یک نمونه تست مورد استفاده قرار گرفت، جهت مقایسه دو گروه کنترل از متخصصین بیهوشی نیز در همان زمانهای متوالی که گروه تجربی تحت بررسی بودند، تست شدند. هر دو گروه کنترل و آزمایش میزان نمره بالاتری را نشان دادند. تنها با یک فاصله نمره شرکت کنندگان در کارگاه به طور قابل ملاحظه ای بیشتر از گروه کنترل گردید (۸). ادواردز و همکارانش (۱۹۸۸) در یک مطالعه ٤ ساله جهت ارزیابی تاثیر یک کارگاه آموزشی که تمامی رزیدنتهای دانشکده پزشکی دانشگاه ایالت لوئیزیانا در نیواورلئان در آن شرکت کرده بودند، تعداد ۱٤٥ رزیدنت از ۱۳ تخصص مختلف را تحت بررسی قرار دادند، این کارگاه های آموزشی نصف روزه در مورد مهارتهای تدریس در محیطهای بالینی برگزار گردیده بود. نتایج این بررسی نشان داد که دادن آموزش به رزیدنتها می تواند مهارتهای تدریس را در آنها افزایش دهد. در ۱۰۵ رزیدنت میزان مهارتهای آنان در مصاحبه و روش تدریس به طور قابل ملاحظه ای بعد از شرکت در کارگاه نسبت به قبل از آن افزایش یافته بود. ارزیابی دانشجویان سال سوم از مهارتهای تدریس دو گروه کنترل و شاهد نشان داد، رزیدنتهایی که در کارگاه شرکت کرده بودند در ٤ مورد از ۹ مورد فرم بررسی، بهتـر از گروه کنترل بودند(۹).

مواد و روشها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی – تحلیلی و به صورت مقطعی می باشد که در آن از بین ۸۵ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که بین سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۵ در سه کارگاه آموزشی اصول و برنامه ریزی آموزشی، روشهای آموزش و ارزشیابی شرکت کرده بودند، ۷۱ نفر به سوالات پرسشنامه ای مشتمل بر ۲۹ سوال که ۷ سوال جهت جمع آوری اطلاعات جمعیتی، ۲۲ سوال دیگر جهت بررسی نگرش، تغییر در علاقه، توانایی و عملکرد آموزشی و همچنین بررسی نظرات و پیشنهادات شرکت کنندگان تنظیم گردیده بود، پاسخ داده اند.

هر کارگاه آموزشی طی ٤-۳ روز و شامل ۲٤-۱۸ ساعت برگزار گردیده و طی هر سه کارگاه فراگیران با چگونگی مشخص کردن و بکارگیری اهداف آموزشی، روشهای مختلف آموزش، و ارزشیابی آشنا شده اند. سرپرستی کارگاه ها بعهده کمیته برگزاری کارگاه های آموزشـــی که شامل ٤ -۳ تن از اساتید عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی می باشند، صورت گرفته است. این کارگاهها توسط مرکز توسعه آموزش پزشکی و تحت نظر معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزار گردیده است.

به این ترتیب تعداد نمونه های این پژوهش، ۷۱ نفر از اعضاء هیات علمی از بخش های جراحی، زنان، پاتولوژی، اطفال، داخلی، پزشکی اجتماعی، بهداشت، دندانپزشکی، رادیولوژی، پرستاری و مامایی، فارماکولوژی، پوست، دارو سازی، توانبخشی، روانپزشکی، بیوشیمی، میکروب شناسی، آناتومی،گوش وحلق و بینی، چشم، بیهوشی و پیراپزشکی می باشند. جمع آوری اطلاعات به روش تک مرحله ای و از طریق تکمیل فرم پرسشنامه صورت گرفته است. به این ترتیب که هر فرم پرسشنامه به همراه نامه ای مبنی بر هدف از تحقیق و درخواست همکاری توسط کمک پژوهشگران جهت نمونه ها ارسال میشد. بعد از مدتی جهت افرادی که به پرسشنامه ها پاسخ نمی دادند مجدداً نامه دیگری و در نهایت جهت کسانی که بعد از این مراحل نیز پرسشنامه ها را عودت نمی دادند نامه ای به روسای بخشها ارسال می شد. به این ترتیب تعدادی حاضر به همکاری نشده و تعدادی از جامعه پژوهش نیز در دسترس نبودند.

مقیاس اندازه گیری در ۱۵ سوال با استفاده از مقیاس ٥ درجه ای از ۱ (بهیچوجه) تا ٥ (بسیار زیاد) بوده و ٦ سوال نیز به صورت سوال باز(Open Question) طراحی گردیده است. ۱۲ سوال از سوالات پرسشنامه با اقتباس از سوالات پرسشنامه Constructed Attitude Scale تنظیم گردیده که اعتبارمحتوایی آن قبلاً (Edwards ۱۹۷٥) به اثبات رسیده است (۱۰). سوالاتی از این پرسشنامه که با فرهنگ ایران سازگار نبود مورد تغییر قرار گرفت و بقیه سوالات بر مبنای اهداف پژوهش تنظیم گردید.

تجزیه و تحلیل نتایج با استفاده از کامپیوتر و برنامه نرم افزاری EP۱٦ انجام گرفت. جهت توصیف نتایج از آزمونهای توزیع فراوانی و میانگین و جهت مقایسه پاسخ ها در گروه های مختلف از آزمونهای آنالیز واریانس یک طرفه و t-.test و

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

همچنین جهت تعیین همبستگی بین پاسخهاومتغیرهای کمی از آزمون همبستگی استفاده گردید.

نتایج

از مجموع ۷۱ نفر عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در هر سه نوع کارگاه آموزشی اصول و برنامه ریزی آموزشی، روشهای آموزش و ارزشیابی شرکت کرده بودند، از نظر سطح تحصیلات غالباً در سطح تخصص و فوق تخصص (۷۱/۸٪) بوده اند. تعداد مردان (۴۸ نفر) تقریباً دو برابر زنان (۲۳ نفر) بدست آمد. میانگین سن واحدهای تحت پژوهش ۴۱/۳۵ سال (با انحراف معیار ۵/۹۶ و دامنه ۶۲-۲۹)، میانگین سابقه تدریس ۱۰/۷۶ سال (با انحراف معیار ۶/۳۱ و دامنه ۳۷-۴) و میانگین مدت زمان فارغ التحصیلی ۱۰/۰۱ سال (با انحراف معیار ۰/۷۶ و دامنه ۳۴-۱) بدست آمد .

نتایج پاسخ سوالات شماره ۱، ۳، ۷ و ۱۳ که تغییر رفتار واحدها را در زمینه آموزش مورد بررسی قرار می داد نشان داد که غالباً (۶۴/۸٪) عقیده داشتند که توانایی آنها در امر آموزش در حد زیاد و بسیار زیاد افزایش یافته است (سوال شماره ۳) و افرادی که اظهارکرده بودند که روشهای آموزش خود را در حد متوسط تا زیاد تغییر داده اند، ۸۴/۶ درصد بوده است (سوال شماره ۷).

پاسخ سوالاتی که تاثیر محتوای کارگاه ها و جزوات ارائه شده به آنها را در آموزش اساتید نشان می داد مشخص کرد که درصد کثیری (۷۷/۴٪) عقیده داشتند که محتوای کارگاه ها در حد متوسط تا زیاد با فعالیت های آموزشی آنها مرتبط بوده (سوال شماره ۴) و اکثریت (۵۱/۴٪) از محتوای کارگاه ها در حد زیاد در امر آموزش استفاده کرده بودند (سوال شماره ۱۵). در عین حال پاسخ ها به سوال شماره ۹ نشان داد که یادداشتها و جزوات ارائه شده در ۷۲/۱ درصد از موارد و منابع توصیه شده در کارگاه ها نیز در ۴۸/۶ درصد از موارد در حد متوسط تا زیاد مورد استفاده قرار گرفته است. ولی دیگر ژورنالهای آموزشی در ۳۸/۲ درصد به ندرت مورد استفاده قرار گرفته بود (جدول ۱). نتایج پاسخ سوالاتی که تغییر در نگرش افراد را نسبت به آموزش نشان می داد مشخص کرد که پس از شرکت در کارگاه در ۶۰/۶ درصد از موارد انگیزه و علاقه افراد نسبت به آموزش در حد زیاد تا بسیار زیاد افزایش یافته است

(سوال شماره ۲)، همچنین درصد کثیری (۸۵/۳٪) در حد زیاد تا بسیار زیاد شرکت در کارگاه های آموزشی را به همکاران خود توصیه کرده بودند (سوال شماره ۸) و در ۶۹ درصد نیز نگرش افراد نسبت به برنامه ریزی، روشهای آموزش و ارزشیابی در حد زیاد تا بسیار زیاد بهتر شده است (سوال شماره ۱۴). پاسخ سوالات شماره ۵، ۶ و ۱۲ نشان داد که غالباً کارگاه ها موجب بهبود روشهای ارزشیابی افراد شرکت کننده شده است.

میانگین نمرات چند متغیر تعریف شده که تغییر در نگرش نسبت به آموزش، تاثیر کارگاه بر روند بکارگیری اهداف در برنامه ریزی آموزشی، بهبود آموزش و ارزشیابی و همچنین مورد استفاده بودن مفاهیم کارگاه ها در عملکرد روزمره اساتید را اندازه می گرفت بر حسب جنس، سطح تحصیلات و رشته تخصصی مورد مقایسه قرارگرفت که تنها در مورد مقایسه میانگین نمرات تغییر در برنامه ریزی آموزشی بر حسب جنس تفاوتها از نظر آماری معنی داری بود ($p< ۰/۰۳$) و میانگین نمرات افراد مونث بالاتر بدست آمد.

در بقیه موارد میانگین ها تفاوت معنی داری را نشان ندادند. ضرائب همبستگی نمرات این متغیرها با عوامل سن، مدت زمان فارغ التحصیلی و سابقه تدریس در هیچ مورد از نظر آماری معنی داری نبود (جدول ۲).

در پاسخ به این سوال که کدامیک از سه کارگاه تاثیر بیشتری بر افراد داشته است، بیشترین تعداد (۶۹٪) عقیده داشتند که کارگاه روشهای آموزش و پس از آن کارگاه ارزشیابی (۴۶/۵٪) در مجموع بیشترین تاثیر را بر افراد داشته است. در بخش سوالات باز پرسشنامه، در پاسخ به این سوال که اگر از یادگیری کسب شده ازکارگاه ها استفاده کرده اید این موارد در کدام زمینه ها بوده است؟ نتایج نشان داد که بیشترین تعداد (۶۶ نفر) ازآموزشهای ارائه شده در کارگاه ها در جهت بهبود روشهای آموزشی خود درزمینه های استفاده از وسایل کمک آموزشی، بحثهای گروهی درکنار بستر بیمار،

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

جدول ۱- فراوانی پاسخ واحدها به سوالات بسته پرسشنامه

	بسیار زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	بندرت (۲)	بهیچوجه (۱)
آیا پس از گذراندن هر سه نوع کارگاه آموزشی:	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
۱- از ایده ها و مفاهیم مطرح شده در کارگاه در امر آموزش روزمره استفاده کرده اید؟	۸/۵	۵۹/۲	۲۹/۶	۱/۴	۱/۴
۲- انگیزه و علاقه شما نسبت به آموزش بیشتر شده است؟	۱۲/۷	۴۷/۹	۲۸/۲	۷/۰	۴/۲
۳- توانایی شما در امر آموزش بیشتر شده است؟	۸/۵	۵۶/۳	۲۶/۸	۵/۶	۲/۸
۴- محتوای کارگاه با فعالیتهای آموزشی شما مرتبط بوده است؟	۱۸/۳	۳۶/۶	۴۰/۸	۲/۸	۱/۴
۵- روش تدریس خود را مورد ارزیابی و اصلاح قرار داده اید؟	۱۲/۹	۴۴/۳	۳۷/۱	۴/۳	۱/۴
۶- در زمینه نحوه تدریس خود از دانشجویان نظرخواهی کرده اید؟	۱۲/۹	۳۵/۷	۳۲/۹	۱۲/۹	۵/۷
۷- هیچ گونه تغییری در روش آموزشی خود داده اید؟	۷	۴۲/۳	۴۲/۳	۵/۶	۲/۸
۸- شرکت در کارگاه را به همکاران خود توصیه کرده اید؟	۳۶/۸	۴۸/۵	۸/۸	۴/۴	۱/۵
۹- از موارد زیر استفاده کرده اید؟					
الف) یادداشت ها و جزوات کارگاه آموزشی؟	۴/۴	۲۵	۴۷/۱	۲۰/۶	۲/۹
ب) منابع توصیه شده در کارگاه؟	۱/۵	۱۱/۸	۳۶/۸	۳۵/۳	۱۴/۷
ج) هر گونه ژورنال آموزشی؟	۸/۸	۱۹/۷	۱۹/۱	۳۸/۲	۱۴/۷
۱۰- الف) اهداف کلی آموزشی خود را مشخص کرده اید؟	۱۵/۷	۵۸/۶	۲۱/۴	۱/۴	۲/۹
ب) اگر بلی آن را نیز به انجام رسانده اید؟	۱۱/۸	۴۷/۱	۳۹/۷	۱/۵	-
۱۱- الف) اهداف ویژه آموزشی خود را مشخص کرده اید؟	۱۰/۱	۵۰/۷	۳۱/۹	۴/۳	۲/۹
ب) اگر بلی آن را نیز به انجام رسانده اید؟	۷/۷	۴۱/۵	۴۷/۷	۱/۵	۱/۵
۱۲- الف) روش جدیدی در ارزشیابی (انجام آزمون) شروع کرده اید؟	۱۱/۸	۳۵/۳	۴۱/۲	۱۱/۸	-
ب) روشهای ارزیابی خود را بهبود بخشیده اید؟	۱۰	۵۲/۹	۲۸/۶	۸/۶	-
۱۳- روشهایی که بتواند به دانشجویان برای یادگیری بیشتر کمک کند شروع کرده اید؟	۴/۳	۶۴/۳	۲۷/۱	۴/۳	-
۱۴- در نگرش شما نسبت به برنامه ریزی، روشها و ارزیابی بهبودی حاصل شده است؟	۱۸/۳	۵۰/۷	۲۵/۴	۵/۶	-
۱۵- الف)ازیادگیریهای کسب شده ازکارگاهها تاکنون استفاده کرده اید؟	۱۵/۷	۵۱/۴	۲۸/۶	۲/۹	۱/۴

Closed Question

مشارکت دانشجویان در آموزش و نحوه ایجاد انگیزه یادگیری در دانشجویان بهره برده اند.

در پاسخ به سوالی که مانع استفاده از دانش کسب شده از کارگاه ها را بررسی می کرد، بیشترین تعداد (۳۸ نفر)عقیده داشتند که کمبود وقت یکی از محدودیت هایی است که مانع استفاده از دانش کسب شده از کارگاه ها می شود.

عدم انگیزه کافی در اساتید و دانشجویان، کمبود امکانات سمعی-بصری، تعدد از دانشجویان، برنامه ریزی نامناسب آموزشی و حجم زیاد مطالب درسی از دیگر محدودیتهای ذکر شده در این زمینه بود. یکی دیگر از سوالات باز پرسشنامه تغییراتی که افراد پس از شرکت در کارگاه در روشهای تدریس خود داده بودند را بررسی کرد.

بیشتر پاسخ های این بخش شامل شرکت دادن فعال دانشجویان در یادگیری، استفاده از وسایل کمک آموزشی و تغییر نسبی در روشهای آموزشی گذشته اساتید میشد.

سایر سوالات باز، تاثیرات کلی کارگاه ها را بر افراد شرکت کننده مورد ارزیابی قرار می داد که بیشترین پاسخ ها اشاره به تاثیر کارگاه بر روشهای آموزش (۳۶ نفر) و ارزشیابی (۲۹ نفر) داشت. از دیگر موارد ذکر شده در این رابطه،برنامه ریزی آموزشی، استفاده بهینه از وسایل کمک آموزشی و بخصوص تقویت انگیزه آموزش ذکرشده بود.

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

جدول ۲- همبستگی میان چند متغیر تعریف شده در زمینه تاثیر کارگاه با عوامل جمعیتی

متغیرهای تعریف شده / عوامل جمعیتی	تغییر رفتار در زمینه آموزش	تغییر نگرش نسبت به آموزش	تاثیر کارگاه در ارزشیابی	تاثیر محتوای کارگاه در امر آموزش	تاثیر کارگاه در برنامه - ریزی آموزشی
سن	r *=۰/۱	r=۰/۰۳	r=۰/۰۷	r=۰/۰۷	r=۰/۰۰
	P>۵/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵
مدت زمان فارغ التحصیلی	r=۰/۰۶	r=۰/۰۶	r=۰/۰۶	r=۰/۲۸	r=۰/۰۰
	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵
سابقه تدریس	r=۰/۰۱	r=۰/۰۴	r=۰/۳۸	r=۰/۳۲	r=۰/۰۶
	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵	P>۰/۰۵

*ضریب همبستگی

در زمینه اشکالات موجود در کارگاه های برگزار شده مهمترین نکاتی که افراد به آن اشاره کرده بودند، فاصله زمانی زیاد برگزاری کارگاه با شروع فعالیت های آموزشی آنها، کوتاه بودن زمان کارگاه، همچنین اشکالات مکانی برگزاری کارگاه و بخصوص مهمترین نکته عدم هماهنگی بین مطالب ارائه شده در کارگاه و برنامه ریزی مدیریت آموزشی بوده است.

در آخرین سوال باز پرسشنامه از افراد خواسته شده بود تا نظرات و پیشنهادات خود را نسبت به بهبود کارگاه های آموزشی ذکر کنند که مهمترین پیشنهادات شامل مواردی مانند: شرکت در کارگاهها در شروع فعالیتهای آموزشی اساتید، افزایش زمان کارگاه ها در بیش از ۳ روز، تکرار کارگاه ها، ارائه آنها در مکان مناسب تر و با امکانات بهتر و در نهایت کنترل بخش آموزش پزشکی بر برنامه ریزیهای آموزشی دانشکده بوده است.

بحث

گر چه ارتباط بین نگرش و رفتار، موضوع مورد بحثی است ولی به نظر می رسد که تغییر در نگرش افراد نسبت به آموزش، تاثیر بسزایی در تغییر رفتار افراد خواهد داشت. اگر قرار است دانشکده های پزشکی نیاز جامعه را برطرف سازند، پس لازم است که آموزش اساتید به گونه ای شایسته صورت پذیرد و در شرایط کنونی جهت دستیابی به این امر ارزیابی آموزش هایی که تاکنون بعمل آمده و یا در حال حاضر صورت می گیرد نیازی ضروری می باشد.

هدف در این تحقیق ارزیابی یادگیری طویل المدت در افراد شرکت کننده بود و لذا پرسشنامه ای که جهت این مطالعه تهیه شد نه تنها بررسی آنچه که در کارگاه یاد گرفته شده بلکه بررسی اینکه آیا اطلاعات در طول زمان و به خوبی باقیمانده است را نیز در بر می گرفت.

یافته های این پژوهش در مجموع موید این نکته می باشد که کارگاه های برگزار شده بر روی تغییر رفتار افراد شرکت کننده تاثیری نسبی داشته است که این امر در زمینه افزایش توانایی افراد در امر آموزش روزمره تاثیر بیشتری داشته است. همچنین کارگاه هایی مانند روشهای آموزش و ارزشیابی که مستقیماً با عملکرد اساتید در ارتباط بوده اند در مقایسه با برنامه ریزی آموزشی که اغلب در بسیاری از دانشکده ها و بخصوص دانشکده پزشکی کمتر مورد استفاده قرار می گیرد، تاثیر بیشتری داشته است. بنابراین در صورتی که امکان و زمینه بکارگیری دانش و مهارتهای فراگرفته شده در بخشهای مختلف فراهم نگردد نه تنها دستاورد مثبتی به همراه نخواهد داشت، بلکه در نگرش افرادی که در کارگاه های آتی شرکت خواهند کرد نیز تاثیری منفی بر جای خواهد گذاشت.

از دیگر نکاتی که نتایج این تحقیق نشان داد، تاثیر مثبت کارگاه ها بر تعدادی از اساتید در جهت تغییر وضعیت آموزشی از ایجاد یادگیری غیر فعال در دانشجویان به سمت یادگیری فعال در آنها بوده است. در عین حال تاثیر بیشتر کارگاه بر اساتید جوانی که تازه فعالیت های آموزشی خود

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]

را شروع کرده اند موید این نکته است که می بایست در ارائه هر چه بیشتر کارگاه های آموزشی جهت اساتید جوان توجه بیشتری مبذول گردد.

در مجموع به نظر می رسد که جهت ارزیابی تاثیر کارگاه های آموزشی می بایست تاثیر کارگاه ها در جنبه های مختلف عملکرد افراد مورد مشاهده قرار گیرد.

REFERENCES

1- Sheets, K.J, Henry, R.C.Assessing the impact of faculty development programs in medical education J Med Educ 1984; 59:746-748.
2- Evans B.J et al.Lectures and Skills workshops as teaching formats in a history-taking skills course for medical students Med Educ 1989; 23,346-370.
3- Guilbert J.J. Teacher training workshops in education: Summary of 15 years personal experience Med Educ 1985; 19,332-343.
4- Gale Janet, Tomlinson W.S Anderson J.Changing attitudes of medical teachers towards Med Educ Medical education,1976: 10,250-254.
5- Chawhan Aziz R, Shahabi Alireza Preparation of teaching competencies by medical educations.Med Educ,1979; 13:298-302.
6- Anderson J. Gale, J. Tomlinson, R.W.S.Training of medical teachers. Lancet 1974;2:.566.
7- Skeff, K.M. "Evaluation of a method for improving teaching performance of attending physcicians Am J Med 1983; 75:465-470.
8- Donegan Judith H., et al. The use of test results from ASA workshop to evaluate workshop effectiveness J. Med Education, 51,1976; ,500-505.
9- Edwards J.C., Kissling G.E.,Plauche W.C et al. Evaluation of a teaching skills improvement program for residents. Med Educ 1988; 22,514-517.
10- Edwards, A.L Techniques of attitude scale construction. Appleton Century Crofts, New York, 1957.

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-16]